

آثار ولایت اهل بیت علیهم السلام در زندگی اخروی انسان از منظر زیارت جامعه کبیره*

حسن اصغر** و محسن خوشفر***

چکیده

ولایت اهل بیت علیهم السلام اصل و اساس دین اسلام و از مهم‌ترین آموزه‌های عقیدتی آن و مورد تأیید و تأکید خدا و پیامبران و اهل بیت علیهم السلام است. آیات قرآن، روایات ائمه و همچنین زیارت جامعه کبیره که از امام هادی علیه السلام صادر شده، ارزش ولایت را بیان کرده و به ولایت‌پذیری اهل بیت علیهم السلام امر فرموده و به برکت قبولی آن آثار دنیوی و اخروی انسان را ترسیم نموده‌اند. به همین جهت، هدف تدوین این مقاله در پاسخ به این سوال که آثار ولایت اهل بیت علیهم السلام در زندگی اخروی انسان از منظر زیارت جامعه کبیره چیست؟ با روش توصیفی تحلیلی و گردآوری اطلاعات از طریق کتابخانه‌ای به یادکرد این آثار و تحلیل چگونگی ترتب این آثار در اثر التزام به ولایت اهل بیت علیهم السلام می‌پردازد. نتایج این پژوهش آثار ولایت اهل بیت علیهم السلام در زندگی اخروی انسان مواردی همچون «کفاره گناهان به برکت قبولی ولایت بندگان مقرب الهی علیهم السلام»، «مورد شفاعت قرار گرفتن در روز جزا»، «پذیرفته شدن اعمال و عبادات در اثر ولایت خاندان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله»، و «ورود به بهشت الهی در پرتو ولایت»، از زیارت جامعه کبیره استخراج شده و ادله عقلی و نقلی این آثار مورد تحلیل و تبیین قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: ولایت‌پذیری، آثار اخروی ولایت، زیارت جامعه کبیره.

۱۲۳

حکایت

سال سیزدهم / شماره ۲۴ / بهار و تابستان ۱۴۰۱

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۱۲ - تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۱۲/۲۵.

** طلبه دکتری علوم حدیث تطبیقی، مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث، جامعه المصطفی ص العالمیه، قم، ایران،
(نویسنده مسئول): (Hasanasgharshabeeb@gmail.com).

*** استادیار گروه علوم حدیث مجتمع عالی قرآن و حدیث، جامعه المصطفی ص العالمیه، قم، ایران،
(mohsenkhoshfar@yahoo.com).

ولایت خاندان پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله مهم‌ترین مسیر برای نیل به مقام و منزلت واقعی، مطمئن‌ترین وسیله جهت درک ارزش‌های اسلامی، بهترین ابزار برای کسب فضیلت‌های جهان فانی و باقی، و مؤثرترین روش جهت اصلاح و تربیت انسانی و امت اسلامی می‌باشد. قبولی ولایت خاندان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، ارزشی متعالی و نهایت لطف و کرم پروردگار جهانیان است. طبق منابع اسلامی از جمله زیارت جامعه کبیره به برکت پذیرفتن ولایت ائمه اطهار علیهم السلام می‌توان به مقام و منزلتی نائل گردید که با دیگر مقامات قابل سنجش نیست و اثراتی را در زندگی دنیوی و اخروی به دنبال دارد که نمی‌توان با دیگر وسائل اخذ نمود.

در روز آخرت، حساب و کتاب خیلی سخت است؛ روزی که همه انسان‌ها به فکر صحت و قبولی اعمال نزد خدای متعال و در نتیجه خواهان زندگی بهشتی و مرفه هستند. لذا پذیرش ولایت ائمه اطهار علیهم السلام اثراتی در روز حساب به دنبال دارد که امام هادی علیه السلام در منشور امامت و ولایت یعنی زیارت جامعه کبیره آثار و برکات قبولی ولایت اهل بیت علیهم السلام در زندگی اخروی انسان را بیان کرده‌اند که در اثر التزام به ولایت نصیب موالیان ائمه معصومین علیهم السلام خواهد گردید. در مقاله حاضر، سعی شده است که با روش تحلیلی توصیفی و به صورت کتابخانه‌ای آثار ولایت ائمه اطهار علیهم السلام در حیات اخروی انسان طبق زیارت جامعه کبیره مورد بحث و بررسی قرار بگیرد.

مقالات و کتب متعددی درباره ولایت اهل بیت علیهم السلام و اثرات آن نوشته شده؛ مانند: «آثار ولایت‌مداری در زیارت جامعه کبیره»، علیرضا انصاری، نشریه ره توشه (۱۴۰۰)؛ «آثار ولایت و ذکر فضائل اهل بیت علیهم السلام»، سید نعمت‌الله حسینی، انتشارات عصر انقلاب، (۱۳۹۰)؛ «برکات ولایت اهل بیت علیهم السلام»، آیت‌الله سید احمد خاتمی، نشریه پاسدار اسلام، مرداد (۱۳۹۸) و کتاب‌هایی مانند: «ادب فنای مقربان»، جوادی آملی؛ «با اختران تابناک ولایت»، سید عبدالله شبر. «جلوه‌های لاهوتی شرح زیارت جامعه کبیره»، محمدباقر تحریری. اما راجع به تأثیرات آن در زندگی اخروی انسان از منظر زیارت جامعه کبیره به صورت تخصصی و تحلیلی تألیف نگردیده است. ضرورت تدوین این پژوهش ارتقاء سطح آشنائی و عقیدتی آحاد مردم نسبت به ولایت و مهم‌ترین آثار سر نوشت‌ساز در زندگی اخروی انسان است.

الف. مفهوم ولایت

ولایت در لغت از ولا و تولى به معنی تحقق دو یا چند چیز هم جنس بدون فاصله شدن چیز

دیگری بین آنان است، این واژه برای قرب از جهت مکان و از جهت منصب دین و دوستی و یاری و اعتقاد استعاره آورده شده است، ولایت با کسر واو به معنای نصرت و یاری و ولایت با فتح واو به معنای سرپرستی امور است.^۱ راجع به مفهوم و معنای ولایت علامه طباطبائی (ره) می‌فرماید:

ولایت یک نوع نزدیک شدن به چیزی است به طوری که موانع و پرده‌هایی میان آن دو، در جهتی که باعث نزدیکی است برداشته شود. اگر قرب در کمک و یاری است؛ ولی، آن کمک و یاری خواهد بود که هیچ مانعی او را از یاری کسی که به او نزدیک شده باز ندارد، و اگر در جهت انس معاشرتی و محبت همان جذب شدن روحی است باشد؛ ولی، آن محبوبی خواهد بود که انسان نتواند در برابر اراده و خواسته او خود را نگه دارد، و اگر نزدیکی در جهت نسبت است؛ ولی، آن کس خواهد بود که مثلاً ارث می‌برد و چیزی مانع ارث او نباشد، و اگر نزدیکی در جهت اطاعت و فرمانبرداری است؛ ولی، آن کس خواهد بود که به هر چیزی که بخواهد و اراده کند، دستور دهد.^۲

و آیت‌الله جوادی آملی (حفظه الله) درباره ولایت چنین می‌فرماید:

ولایتی که در قرآن مطرح است قرب خاصی است که از یک طرف حاصل شده باشد و از طرف دیگر حاصل نشده باشد؛ بلکه از طرف دیگر دور باشد؛ مثلاً خدای سبحان به کافر و مرمن یکسان نزدیک است وَ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَ نَعَلَمُ مَا نُوَسْوِسُ بِهِ نَفْسُهُ وَ نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ^۳ ولی از آن طرف مؤمن در اثر انجام اعمال قربی و عبادات به خدا نزدیک است؛ ولی کافر در اثر ترک اعمال قربی و ارتکاب اعمال ناپسند از خدا دور است. وَ لَوْ جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا أَعْجَمِيًّا لَقَالُوا لَوْ لَا فُصِّلَتْ آيَاتُهُ أَعْجَمِيًّا وَعَرَبِيًّا قُلْ هُوَ لِلَّذِينَ آمَنُوا هُدًى وَ شِفَاءً وَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ فِي آذَانِهِمْ وَقْرٌ وَ هُوَ عَلَيْهِمْ عَمًى أُولَئِكَ يَنَادُونَ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ^۴. بنابراین، اگر تفاوتی است از طرف بندگان است نه از طرف خدا؛ چون خدای سبحان به همه نزدیک است؛ ولی همگان

۱. مفردات الفاظ قرآن، ص ۸۸۵.

۲. ترجمه تفسیر المیزان، ج ۵، ص ۶۰۴.

۳. ق: ۱۶.

۴. فصلت: ۴۴.

نسبت به خدا این نزدیکی را ندارند؛ بلکه برخی نزدیک هستند و برخی دور...^۱

ب. معرفی اجمالی زیارت جامعه کبیره

زیارت‌نامه‌هایی که از طرف ائمه معصومین علیهم‌السلام صادر شده و به ما رسیده، از نعمت بزرگ خداوند کریم است که جویندگان حقیقت توحید و ولایت را با معارف و حقایق توحیدی، ولایی و اخلاقی آشنا کرده و به جانب کمال بندگی هدایت نموده و از خبائث و ردایل متعدد دور می‌کند. زیارت جامعه از جامع‌ترین و کامل‌ترین زیارت‌ها است. این زیارت در واقع، منشور امامت، ولایت و هدایت است که از زبان مبارک صاحب علم لدنی و وارث علم پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، هادی امت امام علی بن محمد النقی علیه‌السلام نقل شده است. این منشور عالی گرچه به‌عنوان شرح فضایل و کمالات حضرات معصومین علیهم‌السلام ذکر شده است؛ اما معارف دقیق و حقایق عمیق الهی را دارد و تشنه‌گان حقیقت و معرفت وحدانیت و امامت و ولایت را سیراب می‌کند.

زیارت جامعه کبیره در منابع متعدد از جمله: من لا یحضره الفقیه، محمد بن علی الصدوق، ج ۲، ص ۶۰۹، ۱۴۱۳ق. تهذیب الاحکام، محمد بن حسن الطوسی، ج ۶، ص ۹۵، ۱۴۰۷ق. البلد الامین، ابراهیم بن علی عاملی، شیخ کفعمی، ص ۲۹۷، ۱۴۱۸ق. بحار الانوار، محمدباقر مجلسی، ج ۹۹، ص ۱۲۷، ۱۴۰۳ق. مذکور است.

راجع به سند زیارت جامعه کبیره علامه محمدباقر مجلسی رحمته‌الله می‌فرماید:

توضیح مختصری در شرح این زیارت جامعه دادم گرچه حق آن را ادا نکرده‌ام به‌خاطر طولانی نشدن مطلب؛ زیرا سند آن از صحیح‌ترین زیارت‌ها است و مورد آن از عمومی‌ترین آنها و از حیث لفظ فصیح‌ترین و از جهت معنا رساترین و شأن و مقام آن از بالاترین زیارت‌ها است.^۲

ج. آثار ولایت اهل‌بیت علیهم‌السلام در زندگی اخروی انسان

پذیرش خالصانه و آگاهانه ولایت اهل‌بیت علیهم‌السلام علاوه بر تأثیرات در حیات دنیوی، ثمرات و برکات بزرگی در زندگی اخروی انسان دارد. اینجا برخی از آثار اخروی ولایت اهل‌بیت علیهم‌السلام که در زیارت جامعه کبیره ذکر شده، با توجه به ادله عقلی و نقلی تحلیل و بررسی می‌شوند:

۱. ولایت در قرآن، ص ۳۸.

۲. بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۱۴۴.

۱. کفاره گناهان به وسیله ولایت ائمه اطهار علیهم السلام

در زیارت جامعه کبیره نقل شده: مَا حَصَّنَا بِهِ... كَفَّارَةٌ لِدُنُوبِنَا طبق این فقره زیارت جامعه کبیره ولایت اهل بیت علیهم السلام کفاره گناهان و جبران خطاها است. هر کس ولایت آنان را از عمق جان و دل پذیرا باشد، خداوند عالم گناهان او را می‌زداید و نابود می‌کند. در حقیقت، محبت اهل بیت علیهم السلام سر چشمه پاکیزگی و طهارت است؛ چون خود اهل بیت علیهم السلام مالکان عصمت و طهارت هستند، هم پاکیزه‌اند و هم دیگران را پاکیزه می‌کنند. انسان هر چه قدر به این سر چشمه طهارت خود را وصل می‌کند، پاکیزه می‌شود، طهارت و پاکیزگی انسان از گناهان به اندازه اتصال و ارتباط او به این سرچشمه زلال پاکی‌ها است. با توجه به آیات و روایات مطلب مورد نظر تحلیل و بررسی می‌شود:

۱۲۷



اگر یک بنده مؤمن از عمق جان و دل ولایت اهل بیت علیهم السلام را قبول داشته، در راه ولایت قدم برداشته و سعی و تلاش کرده؛ اما با وجود سعی و تلاش در مسیر ولایت، گاهی در پای او لغزش ایجاد شود و گناهی سرزد شود، در این صورت گناهان و خطای او قابل بخشش است، چنان‌که خداوند می‌فرماید:

وَ إِنِّي لَغَفَّارٌ لِمَن تَابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى: ۱ و من هر که را توبه کند و ایمان آورد و عمل صالح انجام دهد، سپس هدایت شود، من بسیار آمرزنده‌ام.

طبق این آیه کریمه، نخستین شرط توبه انسان گناهکار بازگشت از معصیت است. بعد از آن شرط دوم، ایمان به وحدانیت خداوند است؛ و در مرحله سوم، عطر خوش ایمان و توحید در قالب اعمال صالح و شایسته در حرکات و سکنات او هویدا شود. اما برخلاف سایر آیاتی که راجع به توبه و ایمان و عمل صالح سخن گفته‌اند، اینجا شرط چهارم، به‌عنوان "اهتدی" اضافه شده است که معنای مهمی را به جهانیان می‌رساند.

در باره به لفظ «اهتدی» علامه طباطبائی (ره) می‌فرمایند:

این آیه درست بر آیه سوره نساء: ﴿إِن تَجْتَنِبُوا كَبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ﴾^۲ منطبق می‌شود، تنها با یک فرق و آن فرق شرطی است که در آیه مورد بحث اضافه شده و آن شرط "اهتدا" است که حکم مغفرت را مقید کرده

۱. طه: ۸۲.

۲. نساء: ۳۱.

است. از آن که معنای اهتداء به طرف طریق است، استفاده می‌شود که حکم مغفرت وقتی شامل حال مؤمن عامل به اعمال شایسته می‌شود که اعمال نیک را از طریق آن انجام بدهد... در کلام خدای متعال شرط و قیدی که ایمان به توحید و عمل صالح را در قبولی آن تأثیر دارد، ایمان به رسول خدا است؛ یعنی در هر امر کوچک و بزرگ تسلیم رسول خدا ﷺ باشد... ولایت رسول خدا ﷺ همان قید و شرطی است که ایمان و عمل صالح را در تأثیر آن مقید کرده است؛ زیرا خداوند متعال ولایت رسول اکرم ﷺ را تشریح و اطاعت آن حضرت را واجب قرار داده است... پس معلوم می‌شود که مراد از اهتداء در آیه همان قید و شرطی است که تمام آیات قرآنی بدان اشاره کرده‌اند و آن عبارت است از اطاعت و اتباع از رسول ﷺ در امور دین و دنیا و به تعبیر دیگر، اهتداء به ولایت رسول خدا ﷺ است.^۱

در باره این آیه آیت‌الله مکارم (حفظه الله) در تفسیر آیه شریفه می‌فرماید:

این جمله اشاره به لزوم قبول ولایت و پذیرش رهبری رهبران الهی است؛ یعنی توبه و ایمان و عمل صالح آن‌گاه باعث نجات است که در زیر چتر هدایت رهبران الهی قرار گیرد. در يك زمان موسی علیه السلام، و در زمان دیگر پیامبر اسلام ﷺ و در يك روز امیرمؤمنان علی علیه السلام و امروز حضرت مهدی (عج) می‌باشد؛ چرا که یکی از ارکان دین، پذیرش دعوت پیامبر ﷺ و رهبری او و سپس پذیرش رهبری جانشینان او می‌باشد.^۲

مفسران در ارتباط آیه مورد بحث نکته جالب و قابل توجهی را ارایه کرده‌اند:

از عمومی داستان مذکور بنی اسرائیل در قرآن استفاده می‌شود که بنی اسرائیل بعد از اینکه به خدای سبحان ایمان آوردند و رسالت موسی و هارون را تصدیق کردند؛ اما باز هم در مورد ولایت آن بزرگواران یا متوقف بودند یا نظیر متوقف؛ و همین توقف آنان سبب شده که آیات مورد بحث بعد از نهی بنی اسرائیل از

۱. تفسیر المیزان، ج ۱۴، ص ۱۸۹-۱۹۰.

۲. تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۲۶۳.

طغیان و تخویف آنان از غضب و خشم الهی فرموده است.^۱ برای اینکه بدانیم ترك این اصل تا چه حد مرگبار است، کافی است آیات بعد را بررسی کنیم که چگونه بنی اسرائیل به خاطر ترك ولایت و بیرون رفتن از خط پیروی موسی علیه السلام و جانشینش هارون، گرفتار گوساله پرستی، شرك و کفر شدند.^۲

منظور از اهداء، در روایات تفسیری آیه مورد بحث ذکر شده، ولایت است. چنان که امام باقر علیه السلام فرمود: مراد از جمله "ثُمَّ اهْتَدَى" هدایت به ولایت ما اهل بیت علیهم السلام است. به خدا قسم، اگر کسی تمام عمر خود را در بین رکن و مقام عبادت کند، و بعد در حالی از دنیا برود که ولایت ما را قبول نداشته باشد، خداوند او را به صورت در آتش جهنم خواهد افکند.^۳

در روایت دیگری از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده که به امام علی علیه السلام فرمود: ای علی هر کسی که از راه تو خارج شده، گمراه شده است؛ و هر کسی که به تو و ولایت تو راهی نجسته، او راهی به خداوند نخواهد داشت و این همان معنی کلام پروردگار است که فرمود:

﴿وَأِنِّي لَغَفَّارٌ لِمَن تَابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى﴾ یعنی الی ولایت.^۴

علاوه بر قرآن کریم، روایات زیادی هم ذکر شده که ولایت ائمه اطهار علیهم السلام سبب بخشیده شدن گناهان است. چنان که امام صادق علیه السلام فرمود:

یقیناً محبت اهل بیت علیهم السلام گناهان را از بندگان همان طور می زداید که باد تند برگ ها را از درختان می زداید.^۵

در روایت دیگری، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

محبت ما اهل بیت علیهم السلام گناهان را می پوشاند و حسنات را چند برابر می کند.^۶

۱. تفسیر المیزان، ج ۱۴، ص ۱۸۹.

۲. تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۲۶۴.

۳. مجمع البیان، ج ۷، ص ۳۹.

۴. تفسیر نور الثقلین، ج ۳، ص ۳۸۷.

۵. بشاره المصطفی لشبهه المیزتی، ص ۲۷۰.

۶. امالی طوسی، ص ۱۶۴.

پس با توجه به آیات و روایات روشن می‌گردد که ولایت اهل بیت علیهم‌السلام باعث کفاره گناهان است.

۲. علل پاکیزگی گناه و مانعیت از ارتکاب آن به سبب ولایت اهل بیت علیهم‌السلام

ولایت اهل بیت علیهم‌السلام مانند یک سد محکم و استواری است که انسان مؤمن را از ارتکاب گناه منع می‌کند و اجازه نمی‌دهد که معصیت الهی بکند؛ باز هم اگر جایی قدمش لغزید، بلافاصله توبه می‌کند و جبران می‌کند. اما علت اینکه ولایت اهل بیت علیهم‌السلام مانع گناه و پاکیزگی از آن می‌شود: اولاً: به خاطر این است که حقیقت محمد و آل محمد علیهم‌السلام مظاهر تام تمام جلوه‌ها و کمالات پروردگاری؛ لذا پذیرش ولایت آنان در اصل استمداد از آن بزرگوان است و به یاری اهل بیت علیهم‌السلام، انسان مؤمن از گناه دور می‌شود و اگر مرتکب شد با توبه پاکیزه می‌شود.

ثانیاً: اگر کسی ولایت اهل بیت علیهم‌السلام را قبول دارد، این ولایت مانع می‌شود که از باطن وجود به گناه و معصیت تمایل پیدا کند. ممکن است از او گناهی سر بزند؛ اما وجود انسان اهل ولایت در حال ارتکاب گناه، با معصیت خود درگیر می‌شود و از عمق وجودش پشیمان می‌باشد و همین ندامت و پشیمانی کفاره گناه او می‌شود. انسان با پذیرش ولایت، طیب الروح می‌شود که از گناه و معصیت بی‌زار است و نمی‌تواند معصیت کند. اگر مرتکب شد، توبه می‌کند؛ چون بنا بر روایت از امام رضا علیه‌السلام: علامت انسان مؤمن همین است که وقتی اعمال خیر انجام می‌دهد، خوشحال می‌شود و زمانی که از او گناه سر زد شود، استغفار می‌کند.^۱

هر کجا ولایت اهل بیت علیهم‌السلام به معنای حقیقی خود وجود داشته باشد، آنجا گناهی نیست و با هم جمع نمی‌شود. چنان که در زیارت جامعه ذکر شده:

ان ذکر الخیر کنتم أوله و اصله و فرعه و معدنه و ماویه و منتهاه.

بنابراین، تمام خوبی‌ها و نیکی‌ها به وجود انوار مطهره اهل بیت علیهم‌السلام اتصال دارند، ائمه معصومین علیهم‌السلام اصل و فرع و معدن و مبداء و منتهای همه حسنات و خیرات هستند. لذا قبولی ولایت آن بزرگواران در حقیقت، به معنای حضور وجود مقدس خاندان عترت علیهم‌السلام است. در عمق هر قلبی که اهل بیت علیهم‌السلام حضور پیدا کنند، او حقیقت ولایت را درک کرده و مورد لطف ویژه قرار گرفته،

۱. عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۲۴.



است. این وجود به مقام ولایت نائل گردیده و این پذیرش ولایت ائمه اطهار علیهم السلام، نشان حضور صاحبان ولایت است و هر کجا اهل بیت علیهم السلام حضور دارند، آنجا بدی‌ها و معصیت‌ها وجود ندارند.

ثالثاً: محبت علی علیه السلام بر اساس ولایت، بر هر گناهی غلبه دارد یا اینکه حب علی علیه السلام عاقبت گناهگار را به سبب توبه و غیر آن به سعادت می‌رساند و در هر صورت عاقبت به خیر می‌شود؛ چون ذات او پاک است و گناه امری است عارضی و عوارض برطرف می‌شود و طهارت ذات و پاکی طینت کار خودش را انجام می‌دهد.^۱

۳. بهره‌مندی از شفاعت اخروی به برکت ولایت اهل بیت علیهم السلام

زیارت جامعه کبیره می‌گوید: «بِمَوْلَاتِكُمْ... الشَّفَاعَةُ الْمَقْبُولَةُ» طبق این فقره زیارت جامعه کبیره، در روز قیامت به وسیله ولایت اهل بیت علیهم السلام شفاعت شافعان روز جزا در حق ولایتمداران آن مقبول خواهد شد.

۳/۱. اهمیت و ضرورت شفاعت

انسان موجودی دو بعدی است: جسمی و روحی، جسم او نابود می‌شود؛ اما روح او باقی می‌ماند، او راه طولانی و سرسختی در پیش دارد که به زاد و توشه این سفر روحانی نیازمند است تا ضرورت سفر او برآورده شود. روزی است که هیچ‌کس قادر بر انجام کاری به سود دیگری نیست و همه امور در آن روز از آن خدا است: **يَوْمَ لَا تَمْلِكُ نَفْسٌ لِنَفْسٍ شَيْئاً وَ الْأَمْرُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ**،^۲ آن روز انسان برای نجات، سعادت، امن و امان از کیفر اعمال، نیازمند شدید به وسیله نجات مانند شفاعت است. اصولاً انسان‌ها چرا نیازی به شفاعت دارند؟ خداوند قادر مطلق، غفور و رحیم است، پس خود خدا می‌تواند بندگان خود را بدون واسطه شفاعت، بیامرزد پس چرا دیگری را واسطه قرار داده؟ شفاعت اهل بیت علیهم السلام یا دیگر شافعان چه ضرورت دارد؟

۳/۲. گناهان مردم

اگر چه نیل به سعادت اخروی منوط به اعمال انسان است؛ اما بخشی از آیات قرآن بیان می‌کند که عمل به تنهایی نمی‌تواند باعث رستگاری بشر شود، مگر اینکه رحمت الهی شامل حال او شود:

۱. شرح زیارت جامعه، ص ۳۵۹.

۲. انفطار: ۱۹.

وَلَوْ يُوَاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِمَا كَسَبُوا مَا تَرَكَ عَلَى ظَهْرِهَا مِنْ دَابَّةٍ وَ لَكِنَّ يُوَخِّرُهُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِعِبَادِهِ بَصِيرًا^۱

یعنی اگر خداوند مردم را به سبب کارهایی که انجام داده‌اند مجازات کند، جنبنده‌ای را بر پشت زمین باقی نخواهد گذاشت؛ ولی (به لطف خود) آنها را تا سرآمد معینی تأخیر می‌اندازد (و مهلت اصلاح می‌دهد)؛ اما زمانی که اجل آنان فرا رسد، (خداوند هرکس را به مقتضای عملش جزا می‌دهد) او نسبت به بندگانش بینا است و از اعمال و نیت همه آگاه است.

طبق آیه شریفه اگر خداوند به خاطر کارهایی که انجام داده‌اند، مواخذه یا مجازات کند، هیچ جنبنده‌ای بر روی زمین باقی نخواهد بود؛ اما خداوند (به خاطر لطف و رحمت خود) تا زمان معینی مهلت می‌دهد. لذا اعمال انسان به تنهایی باعث رستگاری نجات نبوده؛ بلکه بسا اوقاتی موجب هلاکت او می‌گردد.

نیاز به رحمت الهی

قرآن کریم می‌فرماید:

﴿وَأَمَّا مَنْ آمَنَ وَ عَمِلَ صَالِحًا فَلَهُ جِزَاءُ الْحُسْنَىٰ﴾^۲ یعنی هر کسی که

ایمان آورد و عمل صالح انجام دهد، جزاء نیکو خواهد داشت.

اما انسان برای رسیدن به مقام سعادت علاوه بر اعمال صالح، همیشه (چه در دنیا و چه در آخرت) نیازمند رحمت الهی است، چنان‌که خدا می‌فرماید:

﴿وَرَبُّكَ الْغَفُورُ ذُو الرَّحْمَةِ لَوْ يُوَاخِذُهُمْ بِمَا كَسَبُوا لَعَجَلْ لَهُمُ

الْعَذَابُ﴾^۳ یعنی و پروردگارت، آمرزنده و صاحب رحمت است؛ اگر

می‌خواست آنان را به خاطر اعمالشان مجازات کند، عذاب را هر چه زودتر برای آنها می‌فرستاد؛ [ولی برای آنان موعدی است که هرگز از آن راه فراری نخواهند داشت].

۱. فاطر: ۴۵.

۲. کهف: ۸۸.

۳. همان: ۵۸.

شفاعت اهل بیت علیهم السلام از مصادیق رحمت الهی است که خدای متعال انسان‌های با ایمان را بر بنای رحمت خود نجات می‌دهد. پس همانطور که در این دنیا انسان را مهلت زندگی کردن می‌دهد، در آخرت هم به وسیله شفاعت نجات می‌دهد؛ زیرا رحمت او وسیع و گسترده است.^۱

نجات و سعادت اصل اولیه انسان

اصل اولی در انسان، سلامتی از هرگونه عذاب دنیوی و اخروی است. لذا توقف در برزخ، مراحل مختلف در روز قیامت و ورود در جهنم (در مدت محدود) همه برای آن است که انسان پاک شده و به جوهر اصلی خود بازگردد و شفاعت نیز در همین راستا است. به تعبیر دیگر، خداوند متعال بشر را برای بهشت و حیات جاودان آفریده و برای رسیدن او به این مقام، تمام اقدامات لازم مانند عفو و گذشت از راه شفاعت را مقرر کرده است.^۲

۳/۳. شرایط شفاعت شوندگان توسط اهل بیت علیهم السلام

روز قیامت تمام انسان‌ها از شفاعت بهره‌مند نمی‌شوند؛ بلکه گروه معدودی است که با وجود شرایط شفاعت، از آن برخوردار می‌شوند. شرایط آن طبق قرآن و روایات مندرجه ذیل است:

یک. اعتقاد به دین خدا پسند

امام رضا علیه السلام در جواب سائل فرمود: ای پسر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، مفهوم قول الهی: شفاعت مخصوص کسانی است که خداوند از آنان رضایت داشته باشد، چیست؟ فرمود: شفاعت نمی‌کند مگر اینکه خداوند از دین‌شان راضی و خوشنود باشد.^۳

با توجه به آیه اکمال و آیه تبلیغ، دین مورد پسند الهی، دینی است که با ولایت علی و آل علی علیهم السلام به اکمال رسیده و مشمول رضایت الهی است.

دو. پذیرش ولایت معصومین علیهم السلام

برخورداری از شفاعت و رستگاری در روز قیامت منوط به پذیرش ولایت اهل بیت علیهم السلام است، چنان‌که از امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه: ﴿لَا يُمْلِكُونَ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنِ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا﴾ فرموده: نه شفاعت می‌کند و نه مورد شفاعت قرار می‌گیرد مگر کسی که در نزد خدای

۱. وهابیت و شفاعت، ص ۳۸.

۲. شیعه‌شناسی و پاسخ به شبهات، ص ۳۶-۳۷.

۳. امالی صدوق، ص ۷.

رحمان عهدی داشته باشد؛ یعنی کسی که در ولایت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و امامان بعد از او اذن و اجازه داده شده باشد، این است آن عهد نزد خدا.^۱

سه. ایمان به شفاعت اهل بیت علیهم السلام

برای شفاعت آن بزرگواران باید به شفاعت رسول صلی الله علیه و آله و آل رسول علیهم السلام ایمان داشته باشد و اگر کسی به شفاعت اولیاء الهی علیهم السلام ایمان و اعتقاد نداشته باشد، روز قیامت از کسب فیض شفاعت آن بزرگواران محروم خواهد بود. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: آن کسی که به شفاعت من ایمان ندارد، خداوند شفاعت من را نصیب او نخواهد کرد.^۲

۳/۴. اهل بیت علیهم السلام والاترین شفیع روز جزا و جرای آن

با توجه به مطالب گذشته اهمیت و نقش ولایت و قرابت معصومین علیهم السلام در شفاعت انسان روشن می‌گردد. اگر چه بر اساس نصوص، گروه‌های گوناگون حق شفاعت دارند، از جمله: پیامبران، قرآن، فرشتگان، اعمال صالح و توبه هستند؛ اما مهم‌ترین شفاعت‌کنندگان اهل بیت علیهم السلام هستند. چنان‌که از امام صادق علیه السلام روایت شده که تمام اولین و آخرین به شفاعت رسول اکرم صلی الله علیه و آله نیازمندند.^۳ بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله، اهل بیت علیهم السلام قطعاً شافعان روز قیامت هستند و همه به آنان احتیاج دارند: امام کاظم علیه السلام می‌فرماید: چون روز قیامت شود هیچ ملک مقرب، نبی مرسل و مؤمن آزموده نماند که در آن روز به محمد صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام نیاز دارد.^۴

اما چرا اهل بیت علیهم السلام بالاترین شفاعت‌کنندگان روز جزا هستند؟

دلیل نقلی: در زیارت جامعه کبیره، از امام هادی علیه السلام دفعات متعدد، مسئله شفاعت اهل بیت علیهم السلام ذکر شده: «شُفَعَاءُ دَارِ الْبَقَاءِ»، «رِزْقِنِي شَفَاعَتِكُمْ»، «نَمِّ شَفَاعَتِي»، «وَ فِي زُمْرَةِ الْمَرْحُومِينَ بِشَفَاعَتِهِمْ» و از همه مهم‌تر که دلیل روشن بر ادعا است، این جمله است که می‌گوید: به‌راستی اگر من شافعانی مقرب‌تر از محمد و آل محمد علیهم السلام که مختار الهی و ائمه ابرار علیهم السلام

۱. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۵۷.

۲. امالی صدوق، ص ۷.

۳. المحاسن، ج ۲، ص ۱۸۴.

۴. کافی، ج ۲، ص ۵۶۲.

هستند، در این جهان وجود داشتند، به آنان متوسل می‌شدم و آنان را برای شفاعت خود تعیین می‌کردم؛ اما غیر از اهل بیت علیهم السلام هیچ کس را مقرب‌ترین اهلی نیافتم، پس اهل بیت علیهم السلام را شفیع خود قرار دادم.^۱

دلیل عقلی: «محمد و اهل بیت علیهم السلام او، مقرب‌ترین موجودات در پیشگاه حق هستند و هیچ مخلوقی بدون استثناء قرب آنان را ندارد، در این صورت عقل سلیم حاکم است که آنان وسائط بین خدا و خلق او باشند؛ زیرا با بودن آنان به دیگری توسل جستن، تقدیم مفضول بر فاضل است که عقلاً قبیح است. مضافاً بر اینکه موجود اقرب محبوب‌تر است از غیر اقرب. پس وساطت و شفاعت او هم کارساز است. دلیل بر اقرب بودن آنان، آن است که نور پاک محمد و آل محمد علیهم السلام صادر اول است، چنان‌که فرمود: اول ما خلق الله نوری و قاعده امکان اشرف، اقتضاء می‌کند که صادر اول چون واسطه در ایجاد است، اشرف، افضل و برتر و در نتیجه مقرب‌تر باشد و چه قریب‌تر از اینکه معلول اول او است و میان او و خالق او واسطه‌ای وجود ندارد. ثانیاً لولاک لما خلقت الافلاک است؛ و ثالثاً درباره آن نور فرمود: خلقت الخلق لأجلک و خلقتک لأجلی، و اهل بیت علیهم السلام او از همان نور آفریده شده‌اند، پس حکم آنان با رسول خدا صلی الله علیه و آله در مقام تقرب یکی است؛ زیرا کلهم نور واحد هستند.^۲

پس با توجه به ادله عقلی و نقلی معلوم می‌گردد که روز قیامت انسان‌ها نیازمند به شفاعت والاترین شفیع روز جزا یعنی اهل بیت علیهم السلام هستند و با توجه به شرایط مذکور شفاعت آن بزرگواران نصیب انسان‌ها می‌شود.

۴. قبولی عبادات به برکت ولایت ائمه معصومین علیهم السلام

امام هادی علیه السلام در زیارت جامعه کبیره می‌فرماید: «بِمَوْلَانِکُمْ تُقْبَلُ الطَّاعَةُ الْمُفْتَرَصَّةُ» این فراز زیارت جامعه کبیره بیان می‌کند که همه اعمال و احکام دینی در گرو پذیرش ولایت اهل بیت علیهم السلام قابل قبول می‌باشند.

یکی از ویژگی‌های بسیار مهم ولایت اهل بیت علیهم السلام این است که اعمال و رفتار انسان، زمانی نزد خداوند متعال قابل ارزش و مورد قبول درگاه حق است که بنده به ولایت آنان اعتقاد داشته باشد؛ زیرا

۱. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۱۷.

۲. شرح زیارت جامعه کبیره، ص ۵۱۶.

خدای متعال ارتباط عمیق ولایت با این خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام را اساس حرکات و سکنات روحی مخلوق به سوی خالق و تقرب خود قرار داده است؛ و آیات قرآنی و روایات زیادی بر این مطلب تاکید دارند که مورد بحث و بررسی قرار می گیرند:

آیه بلغ:

﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ﴾^۱

با توجه به تفاسیر قرآن، مانند تفسیر المیزان^۲ و تفسیر نمونه^۳ این آیه راجع به ابلاغ ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام نازل شده است. از خطاب و لحن و مفاهیم آیه و بی سابقه بودن تاکیدات فراوان، اهمیت و ضرورت قبولی ولایت به خوبی نمایان می شود: کلمه خطاب «یا ایها الرسول» بیانگر اهمیت و ویژگی خاص ولایت است؛ و کلمه «بلغ» نشانگر دیگری مساله ولایت است که در قرآن فقط در این آیه استفاده شده است. اصل مورد بحث ما جمله «وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ» است که نمایانگر و گواه سوم بر اهمیت و ضرورت و ویژگی خاص ولایت است. اگر انسان فقط درباره همین یک جمله فکر کند، متوجه ضرورت قبولی ولایت می شود که طبق محتوای این جمله، مساله ولایت اساس و ستون رسالت و نبوت است، اگر پیامبر صلی الله علیه و آله آن را ابلاغ نکرده، گویا هیچ کار رسالت را انجام نداده است، زحمات تبلیغ رسالت ناقص خواهد ماند. البته پیامبر صلی الله علیه و آله تا الان همه دستورات و پیام الهی را به مردم ابلاغ کرده؛ اما این تعبیر و لحن آیه مساله مهم و سرنوشت ساز قبولی ولایت را آشکار می کند.

با توجه به این آیه می توان نتیجه گرفت که اگر رسالت خاتم انبیاء صلی الله علیه و آله بدون ابلاغ ولایت ناقص می ماند، کار رسالت به پایان نمی رسد و زحمات تبلیغی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بی نتیجه می ماند. پس دین مسلمان بدون قبولی ولایت قطعاً ناقص می ماند، انجام طاعات و عبادات الهی بدون ولایت به مرحله مقبولیت نمی رسد و زحمات نماز، روزه و عبادات و کارهای نیک ما بی ثمر خواهد ماند. لذا برای قبولی اعمال و تأثیرگذار بودن طاعات و عبادات، پذیرش ولایت اهل بیت علیهم السلام لازم است تا اعمال و رفتار ما مورد قبول درگاه حق باشد.

۱. مائده/۶۷.

۲. تفسیر المیزان، ج ۶، ص ۴۸.

۳. تفسیر نمونه، ج ۵، ص ۸-۱۲.

آیه اکمال:

الْيَوْمَ يَتَسَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَحْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنَ الْيَوْمَ اَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ اَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيتُ لَكُمْ الْاِسْلَامَ دِينًا...^۱

بنا بر تفاسیر این آیه اکمال معلوم می‌شود که دین اسلام به وسیله ولایت کامل شده است و رضایت الهی در سایه ولایت حاصل می‌شود. اگر ولایت نباشد، دین کامل نمی‌شود، اگر ولایت نباشد رضایت الهی نصیب ما نمی‌شود. در تفسیر این آیه آیت الله مکارم شیرازی می‌گویند:

همان طور که از آیه استفاده شد، اکمال نعمت و اتمام دین در آن روز، در سایه ولایت تحقق یافت؛ امروز هم اتمام نعمت، چه نعمت‌های مادی و چه نعمت‌های معنوی، و اکمال دین، در تمام ابعاد و شاخه‌هایش در سایه ولایت است. بدون ولایت، هرچند به ظاهر دین عمل شود و پیوسته اعمال و عبادات انجام شود؛ ولی بی‌شک به مرحله قبول و پذیرش درگاه الهی نمی‌رسد؛ بنابراین، اتمام نعمت و اکمال دین در هر عصر و زمانی در سایه تمسک به ولایت عملی خواهد بود.^۲

با توجه به این آیه معلوم می‌شود که تکمیل دین اسلام به وسیله ولایت است. پس دین ما، عبادات و طاعات ما بدون پذیرش ولایت اهل بیت علیهم‌السلام ناقص می‌ماند و فقط در سایه ولایت کامل می‌شود و در درگاه حق تعالی در پرتو ولایت به شرف قبولیت می‌رسد. علاوه بر آیات قرآن روایات زیادی هم در این باب در منابع اسلامی ذکر شده‌اند که همه نقش کلیدی ولایت اهل بیت علیهم‌السلام در پذیرش اعمال و طاعات را به خوبی بیان می‌کنند که اگر ولایت نباشد، هر عملی نزد خدای متعال بی‌ارزش است. چنان‌که ذکر شده:

روزی امام باقر علیه‌السلام به افراد مشغول طواف خانه خدا نگاهی کردند و فرمودند: این چنین در زمان جاهلیت طواف می‌کردند، به مردم امر داده شده که خانه کعبه را طواف کنند، سپس به سوی ما بیایند و ولایت و مودت‌شان را به ما اعلام کنند و نصرت خویش را بر ما عرضه کنند. بعد از این امام علیه‌السلام این آیه را قرائت فرمودند: دل‌های مردم را به طرف آنها متمایل کن.^۳

۱. مائده: ۳.

۲. آیات ولایت در قرآن، ص ۵۳.

۳. کافی، ج ۱، ص ۳۹۲.

از این روایت معلوم می‌شود که طواف خانه خدا، بدون قبول ولایت ائمه علیهم‌السلام و معرفت آن بزرگواران مثل طواف مردم دوره جاهلیت است که بدون معرفت حق، شرک‌آلود است. امام باقر علیه‌السلام در این روایت آیه مذکور را بر خودشان منطبق کردند که در آن حضرت ابراهیم علیه‌السلام نسبت به اهل مکه به خاطر جمع شدن قلوب مردم به ایشان و بیت الهی از خدای متعال آرزو می‌کنند. درباره به علت این انطباق، آیت‌الله تحریری (حفظه الله) می‌فرماید:

ایشان اهل واقعی مکه و خانه خدا هستند که به توحید حقیقی دعوت کامل می‌کنند و مردم برای توجه واقعی به خداوند متعال و اجرای توحید حقیقی در تمامی شوون زندگی و رسیدن به حق تعالی، دل‌هایشان را به کعبه حقیقی متوجه کرده و از طریق آن سیر می‌کنند تا حج آنان واقعی و مقبول باشد.^۱

همچنین در روایتی از امام صادق علیه‌السلام به طور صریح نقل شده که بدون ولایت هیچ عملی قابل پذیرش نیست، امام علیه‌السلام می‌فرماید:

نزد خداوند اولین سوالی که از بنده پرسیده می‌شود، درباره نماز واجب، زکات واجب، روزه‌های واجب، حج واجب و راجع به ولایت ما اهل بیت علیهم‌السلام سوال می‌شود، پس اگر بنده به ولایت ما اقرار کرد، سپس از دنیا رفت، نماز، روزه، زکات و حج او پذیرفته است و اگر ولایت ما را قبول نکرد، هیچ اعمالی قابل پذیرش نیست.^۲

علت پذیرفته نشدن اعمال بدون ولایت

ولایت اصل و اساس صحت و قبولی تمام اعمال و اطاعت بندگان خدا است که خدای متعال به غیر از این مسیر از هیچ مسیر دیگری خوشنود نخواهد شد و راه نجات فقط و فقط راه ولایت است. اما سوالی که مطرح است این است که چرا بدون ولایت، اعمال قابل ارزش نیست؟ پاسخ اول: خداوند متعال قادر مطلق، پادشاه و حاکم مطلق است و هر چه بخواهد انجام می‌دهد و کسی حق اعتراض و سوال ندارد، چنان‌که قرآن می‌گوید:

۱. جلوه‌های لاهوتی، ج ۳، ص ۴۳۸.

۲. امالی صدوق، ص ۲۵۶.

﴿تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾^۱، فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ
الْحَقُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ.^۲ لَا يُسْتَلُّ عَمَّا يَفْعَلُ وَهُمْ
يُسْتَلُونَ^۳.

مفهوم این آیات این است که خدای متعال حاکم مطلق است، هر چه بخواهد انجام می‌دهد. همان خدای متعال ولایت ائمه علیهم‌السلام را واجب کرده و فقط و فقط شرط قبولی اعمال بندگان را ولایت اهل بیت علیهم‌السلام قرار داده است و در حقیقت تنها اهل بیت علیهم‌السلام باب الله هستند و راه دیگری برای تقرب الهی وجود ندارد. برای روشن شدن مطلب به قضیه سجده حضرت آدم علیه‌السلام و ابلیس توجه کرد که شیطان هزاران سال عبادت کرده؛ اما در برابر سجده آدم علیه‌السلام تکبر کرد، خدا را نافرمانی کرد و طبق نظر شیطان که خدا را سجده فوق‌العاده خواهد کرد؛ اما آدم را قبول نمی‌کند، خداوند او را بیرون کرد. نتیجه کلی قضیه این است که خداوند اطاعت و عبادت خود را فقط و فقط از آن راهی و شرطی که خود او معین کرده است، قبول می‌کند و نه غیر از او. در حقیقت، مسیر و شرط واقعی که خداوند متعال برای پذیرش عبادات تعیین کرده است، قبولی ولایت اهل بیت علیهم‌السلام می‌باشد که بدون آن هیچ یک از طاعات و عبادات قابل ارزش و اعتبار نیستند.

پاسخ دوم: در منابع اسلامی روایات زیادی در این زمینه وارد شده‌اند که ولایت اهل بیت علیهم‌السلام را شرط اساسی برای پذیرش اعمال دانسته‌اند. چنان‌که زراره از امام باقر علیه‌السلام نقل می‌کند که فرمود: اسلام بر پنج چیز استوار است: نماز، زکات، حج، روزه و ولایت؛ زراره از امام سوال کرد: اما کدام از این‌ها افضل است؟ امام فرمود: ولایت از همه این‌ها افضل است؛ چون ولایت کلید آنها است و والی راهنمای آنها است.^۴ همچنین در حدیث دیگری امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید: اگر یک مسلمان تمام شب، شب بیداری کند، و تمام روزها روزه بدارد، تمام اموال خود را در راه خدا صدقه دهد و تمام عمر خود حج بجا آورد؛ اما ولی خدا را نشناخته باشد تا ولایتش را قبول کند و تمام اعمال خود را طبق

۱. ملک: ۱.

۲. مومنون: ۱۱۶.

۳. انبیاء: ۲۳.

۴. کافی، ج ۲، ص ۱۸.

دستور او انجام دهد، چنین شخصی هرگز نزد خداوند هیچ پاداشی نخواهد داشت و نه از اهل ایمان شمار خواهد بود.^۱ در این زمینه آیت‌الله مکارم شیرازی (حفظه الله) می‌گویند:

بر اساس این روایت، راز و رمز اشتراط ایمان و ولایت این است که انسان کارها و اعمال شایسته را به راهنمایی و هدایت بزرگان دین انجام دهد و از مسیر خاصی که آنها بیان می‌کنند، حرکت کند. وقتی انسان ولایت خداوند و رسولش را پذیرفت، دیگر خودسرانه و با هوی و هوس کار نمی‌کند؛ بلکه سعی می‌کند در خط ولایت حرکت کند؛ زیرا اعمال نیک دارای شرایط، موانع، مقدمات و مقارناتی است که اگر طبق نظر امامان معصوم علیهم‌السلام انجام نشود، عمل نیک منظور نخواهد شد.^۲

پاسخ چهارم: آیت‌الله تحریری (حفظه الله) می‌فرمایند:

گفته شده که عالم، عالم اسباب و مسببات است و هر موجود زمینه‌ها و شرایط ویژه‌ای برای پدید آمدن و ادامه حیات و ترتب آثار بر وجودش دارد. قبول ولایت الهی مستلزم پذیرش ولایت ائمه علیهم‌السلام است که خداوند متعال آن را معین کرده و جز از این طریق نمی‌توان آن را پذیرفته و محقق کرد.^۳

پاسخ پنجم: شهید مرتضی مطهری (ره) می‌فرماید:

باید دید که ایمان به نبوت و امامت از چه نظر لازم است و چرا باید شرط قبول اعمال باشد؟ به نظر می‌رسد که دخالت ایمان به انبیاء و اولیاء خدا در پذیرش اعمال از دو جهت است: یکی اینکه معرفت آنان برمی‌گردد به معرفت خدا. در حقیقت، شناختن خدا و شئون او بدون معرفت اولیاء خدا کامل نمی‌گردد. به عبارت دیگر، اینکه شناختن خدا به‌طور کامل شناختن مظاهر هدایت و راهنمایی است. دیگر اینکه شناختن مقام نبوت و امامت از این نظر لازم است که بدون معرفت آنان بدست آوردن برنامه کامل و صحیح ممکن نیست.^۴

۱. همان، ص ۱۹.

۲. مثال‌های زیبای قرآن، ج ۱، ص ۳۱۹.

۳. جلوه‌های لاهوتی، ج ۳، ص ۴۰۹.

۴. مجموعه آثار استاد مطهری، ج ۱، ص ۳۱۰.

با توجه به مطالب مذکور علت پذیرفته نشدن اعمال بدون ولایت اهل بیت علیهم السلام معلوم می‌گردد.

۵. دستیابی به بهشت جاودان به برکت ولایت

زیارت جامعه کبیره می‌گوید: «مَنْ اتَّبَعَكُمْ فَالْجَنَّةُ مَأْوَاهُ»، طبق این فقره زیارت جامعه کبیره، پذیرش ولایت اهل بیت علیهم السلام و اتباع از دستورات و احکام آن بزرگواران باعث ورود به بهشت الهی است.

طبق این فقره بهترین ثمره و نتیجه ولایت و اطاعت اهل بیت علیهم السلام سکونت در بهشت برین و بهره‌مندی از نعمت‌های لامحدود خدای لم یزل است. بهشت الهی مظهر همه نعمت‌های خداوندی است که نعمت‌های دیگر خدای سبحان در مقابل آن ناچیز شمرده شده: «کل نعیم دون الجنة محقور»،^۱ استقرار و سکونت در این مقام پر سعادت و برخورداری از نعمت‌های الهی مقرون به اتباع از اهل بیت علیهم السلام است که انسان را راهی بهشت می‌کند. امام علی علیه السلام می‌فرماید:

اگر از من اطاعت کنید، به خواست خدا شما را به راه بهشت می‌برم.^۲

در حقیقت، این کلمه زیارت جامعه کبیره همه برکات اخروی را بیان می‌کند، از جمله: پذیرش اعمال، بهره‌مندی از شفاعت معصوم، کامیابی در روز قیامت و عفو گناهان، چون سکونت در بهشت آخرین منزل آخرت است که بعد از حساب و کتاب، در صورت عفو گناهان، شفاعت معصوم و قبولی اعمال به برکت ولایت اهل بیت علیهم السلام به دست می‌آید و در همه مراحل نتیجه ولایت و اطاعت ائمه معصومین علیهم السلام نمایان می‌گردد. چنان‌که درباره عفو گناهان، رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

یا علی به شیعیان و انصار خود به ده خصلت بشارت بدهید... که نهم آن انحطاط و محو معصیت و گناه است.^۳

همچنین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله راجع به قبولی اعمال می‌فرماید:

به خدا قسم که مرا به پیامبری مبعوث کرد، اگر کسی با خدای متعال با عمل هفتاد انبیاء خدا را ملاقات کند؛ اما ولایت اولی الامر از ما اهل بیت علیهم السلام را نداشته باشد، خداوند نه توبه او را می‌پذیرد و نه فدیهای او می‌پذیرد.^۱

۱. همان، ج ۸، ص ۲۴.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۵۶.

۳. خصال، ج ۲، ص ۴۳۰.

طبق بیان دیگر، رسول اکرم صلی الله علیه و آله رستگاری در قیامت، در گرو پیروی از اهل بیت علیهم السلام است.^۲ اینجا مطلب قابل توجه این است که در قفره زیارت، امام علیه السلام «من اتبعکم فهو فی الجنة» نگفته؛ بلکه «الجنة ماواه» گفته و این بیان می کند که پیروان حقیقی امامان، مالکان بهشت اند.^۳

کیفیت اتباع از اهل بیت علیهم السلام برای ورود به بهشت

در زیارت جامعه کبیره، پیروی از اهل بیت علیهم السلام تبعیت بی ضابطه و بدون معرفت نیست؛ بلکه اتباع از حیث اختیار، اراده، میل و رغبت است، "و فرمانبری برخاسته از معرفت و پیوند معنوی پیرو راستین با پیشوای معصوم است. از این رو، دنباله روی امامان و استواری در پیمودن راه هدایت بخش و سعادت آفرینان آنان، نه تنها ماهیت تحمیلی ندارد؛ بلکه پای فشردن بر اطاعت از آنان، نشان خردورزی و فرهیختگی است.^۴ با توجه به معنا و مفاهیم ذکر شده، اتباع از روی میل، رغبت، اختیار و اراده است، بدون پذیرش ولایت معصومین علیهم السلام این اتباع رخ نمی دهد. وقتی ولایت را پذیرفت، اتباع و پیروی خالصانه و عارفانه از اهل بیت علیهم السلام نه فقط باعث ورود به بهشت است؛ بلکه برای پیروان آن بزرگواران جایگاه و محل سکونت است. اتباع از خاندان وحی چگونه باشد که انسان را بهشتی کند؟ کیفیت حرکات شخص تابع در ضمن معرفت و نوع نگاه او است. لذا آنچه انسان ولایتمدار را به معصومین علیهم السلام متصل می کند، معرفت و بصیرت برخاسته از تعالیم اخلاقی، اعتقادی و فقهی دین مبین اسلام است که زمینه اسوه و الگوپذیری را برای او فراهم می کند. امام صادق علیه السلام مهم ترین مقدمه قدم گذاشتن در مسیر کمال و سعادت را وجود معرفت و بصیرت می داند و رفتار بدون آن، سبب گمراهی و کژروی بیان می کند، به گونه ای که عجله و شتاب در این راه جز دوری از مقصد مورد نظر نتیجه دیگری نمی گیرد.^۵

بنابراین، رفتار تمام دوستان اهل بیت علیهم السلام، نمایانگر کیفیت اتباع از پیشوایان امامان است و بهشت خداوندی در گرو ولایت پذیری و پیروی خالصانه از آنان است؛ چون شیوه توحیدی و سیره

۱. امالی مفید، ص ۱۱۵.

۲. امالی صدوق، ص ۳۶۱.

۳. ادب فنای مقربان، ج ۸، ص ۳۴۶.

۴. همان، ص ۳۲۰.

۵. کافی، ج ۱، ص ۴۳.

علمی و عملی آنان، دعوت به حق و اطاعت از خدای متعال است و اطاعت آنان هم‌سنگ با پیروی از ذات الهی است.

نتیجه‌گیری

طبق منابع اسلامی از جمله زیارت جامعه کبیره ولایت خاندان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به عنوان اصل و اساس مهم دین مبین اسلام به شمار می‌آید. خدای متعال بندگان خود را به پذیرش ولایت آن بزرگواران فرا خوانده تا زندگی بندگان به کمالات و فضائل نائل شود. زیارت جامعه کبیره یکی از زیارت‌های مأثوره است که منشور متعالی ولایت و امامت اهل بیت علیهم السلام و تبیین کننده مقام ولایت و ثمرات قبولی ولایت آن بزرگواران است. طبق آن پذیرفتن خالصانه و آگاهانه ولایت ائمه اطهار علیهم السلام هیچ جا و هیچ وقت بی‌اثر و بی‌نتیجه نیست؛ بلکه قبولی ولایت آن بزرگواران، برای موالیان نشان تأثیراتی را به دنبال دارد. اگر کسی به معنی حقیقی، ولایت خاندان آن حضرت صلی الله علیه و آله را قبول دارد، به ثمرات بزرگ در حیات اخروی نائل می‌شود، از جمله: در ظل ولایت حضرات معصومین علیهم السلام گناهان موالیان آن بزرگواران در بارگاه احدیت مورد عفو و گذشت او قرار گرفته؛ و نیز شفاعت شافعان روز جزا در حق اهل ولا مقبول خدای منان گردیده و علاوه بر آن اعمال و اطاعت بندگان پیروان جانشینان رسول اکرم صلی الله علیه و آله از شرف قبولیت و عنایت خدای عز و جل در بارگاه حضرت حق برخوردار گشته؛ و همچنین به برکت ولایت مالکان بهشت برین علیهم السلام ورود به بهشت پر از نعمت‌های گوناگون، نصیب موالیان ولایت اهل بیت علیهم السلام می‌گردد.

۱۴۳



فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ادب فنای مقربان، عبدالله جوادی آملی، قم: مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۱ ش.
۳. امالی، محمد بن حسن، شیخ طوسی، تصحیح: موسسه بعثت، قم: دارالثقافه، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق.
۴. امالی، محمد بن علی بن بابویه، شیخ صدوق، تهران: کتابچی، چاپ ششم، ۱۳۷۶ ش.
۵. امالی، محمد بن محمد بن نعمان، شیخ مفید، مصحح: حسین استاد ولی، علی اکبر غفاری، قم: کنگره شیخ مفید، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ق.
۶. بحار الانوار، محمدباقر مجلسی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق.
۷. بشارة المصطفی لشیعة المرتضی، محمد بن عبدالقاسم، طبری آملی، نجف: المکتبه الحیدریه، چاپ دوم، ۱۳۸۳ ق.
۸. البلد المین و الدرع الحصین، ابراهیم بن علی، الکفعمی، بیروت: موسسه العالمی للمطبوعات، ۱۴۱۸ ق.
۹. ترجمه المیزان فی تفسیر القرآن، محمدحسین طباطبائی، مترجم: محمدباقر محمودی، قمک دفتر انتشارات اسلامی، چاپ پنجم، ۱۳۷۴ ش.
۱۰. تفسیر قمی، علی بن ابراهیم، قمی، (طیب موسوی جزائری، مصحح)، قم: دارالکتاب، چاپ سوم، ۱۴۰۴ ق.
۱۱. تفسیر مجمع البیان، فضل بن حسن، طبرسی، تهران: انتشارات ناصر خسرو، چاپ سوم، ۱۳۷۲ ش.
۱۲. تفسیر نمونه، ناصر، مکارم شیرازی و دیگران، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ش.
۱۳. تفسیر نور الثقلین، عبدعلی بن جمعه، عروسی حویزی، تحقیق: سیدهاشم رسولی، محلاتی، قم: انتشارات اسماعیلیان، چاپ چهارم، ۱۴۱۵ ق.
۱۴. تهذیب الاحکام، محمد بن حسن، شیخ طوسی، (حسن الموسوی، محقق)، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق.
۱۵. جلوه‌های لاهوتی، محمدباقر، تحریری، قم: دارالمعارف، چاپ دوم، ۱۳۸۴ ش.
۱۶. الخصال، محمد بن علی بن بابویه، شیخ صدوق، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم: انتشارات جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ ش.

۱۷. شرح زیارت جامعه کبیره، سیدمحمدتقی، نقوی، تهران: موسسه نشر صادق، بی تا.
۱۸. شیعه شناسی و پاسخ به شبهات، علی اصغر، رضوانی، قم: نشر معشر، ۱۳۸۴ ش.
۱۹. عیون اخبار الرضا، محمد بن علی بن بابویه، شیخ صدوق، تصحیح: علی اصغر مروارید و ابوذر بیدار، بیروت: موسسه فقه الشیعه، ۱۴۱۱ ق.
۲۰. الکافی، محمد بن یعقوب، کلینی، تحقیق: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق.
۲۱. مثال های زیبای قرآن، ناصر، مکارم شیرازی، چاپ اول، قم: نسل جوان، ۱۳۸۲ ش.
۲۲. مجموعه آثار استاد مطهری، مرتضی، مطهری، قم: صدرا، چاپ سیزدهم، ۱۴۳۲ ق.
۲۳. المحاسن، احمد بن محمد بن خالد، برقی، تصحیح: جلال الدین محدث، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ ش.
۲۴. مفردات ألفاظ القرآن، حسین بن محمد، راغب اصفهانی، لبنان- سوریه: دارالعلم - الدارالشامیه، ۱۴۱۲ ق.
۲۵. من لایحضره الفقیه، محمد بن علی بن بابویه، شیخ صدوق، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ق.
۲۶. المیزان فی تفسیر القرآن، محمدحسین طباطبائی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ ق.
۲۷. نهج البلاغه، محمد بن حسین، سید رضی، تحقیق: صبحی صالح، قم: هجرت، ۱۴۱۴ ق.
۲۸. ولایت در قرآن، عبدالله جوادی آملی، قم: مرکز نشر اسراء، چاپ پنجم، ۱۳۷۶ ش.
۲۹. وهابیت و شفاعت، علی اصغر رضوانی، تهران: مشعر، ۱۳۹۰ ش.

